

اخبار تلگرافی خارجہ

خریداری پارس ۱۸ نهم ماه ۱۳۹۰

الكتاب المقدس

منظمه سرمه سفید با چهار طبقه در معرض این خطر فراز
والع و در کناره ای از ارجمند معاصره قوتوهندی که ایشان
دارند که از ارجمند معاصره قوتوهندی که ایشان
آشنا شکل نداشته و گردیده، مادر سال گذشت
طوف سبب آنکه توأم باشدان گفتند
قوتوهندی کشم و خوار بار و همراهان را در این
دوره تابیم و میخواستیم باشندگی در آن موسم
قدم از زمرة و سکونت پور سایه ای از خود
که معمصاً از میان این سه بروی خوار و آش
برای همکایات میکنم لیکن حمله دارد و لازم
نماید جزیره سکا پرور با وجود امدادات
برایش را که هنوز صورت عمل نموده است
است ایشان اوضاع را برای کسر یافتم است و
پادگان آشمه هنلت است ایشان از این مام
دویی خالمه است

پژوی کشکی هوانی هنوزها باید این احمدی
رسد، هواباها هی اکلیس ازوج هریکان
هزرو غلبات سودانه و زورهار، کارون
منتهی شده مادامه اورتیز نهادند
خرهاری که ازویجه و سدهمه که است
که کسری و مدوی هجنه بران در خانه خوش
بردهم ادامه داده و در حال پیشتر بدانند
و دانایها نهادن سکن و آزاد میارند، طی
آن اخبار بر خلاف اخبار دهه پیش
خری که حاکم از حرف و بازگردان نهاد
و رکو اند رسیده و میخیزون ملوه است
که حارکات و اولی و کوکوتورهای دهه
فرصت آنایها است که ایشان صیغه
پیش پائیکه این شهرها درست آنی
ساده، محلات شکری بران اند ایشان کشک
کم کم از لفظ همراه و سه کاشت میشود
زیر افزار ملوه رو بهانه که هریکان
اهله هر چهه پیشتر شدند که شنیده
باذکاری همکردند و رسانی تهیه خوار بازو
لواره در هر مرحله دقت شنیدن لازم نداشت
اویاض خوار دور
و اشتنک ۶- املاه و وزارت هنر امر که
بنت حاکی است دسته بیانی، دو ظرف به
درازه از یهیه اسخراز هر چنانه
درازه و خوش اشغال ایشان شدند و ایشان
فایلی و راهنم و سلیمان کاره اند مان
تمایلات از طرف امیریکا ایشان با شعر نهادند
شه است

سوزه کرده که نا در سوی ابرو همراه با
آواره سر برخاسته میخواسته باده باشد
عنبیات هنری در حاره دور
را تکون آغازه کرد، هرگز کوچکتر گذاشت
انگلکس میوه را کون چنان همراه سویه
هوا و زبان هواپایه ای انگلکس و دست
شدن باز هم این را که میخواست
بر قطبی شناخته بود و میتوانست از
آن باید میتوانسته اما میتوانسته باشد
و منی فهم شده از پیشنهاده هواپایه
شناوری زانی که سی هواپایه ای
میخواسته بود و میتوانسته بود خذل باشد
نهاده اند، اینروز باید راکون آمدند و نهاده
بر اینکی مهده راکون آمدند و نهاده
امیدوار و بده که جهله با کهنه شد گفت
شان اخرين هرمه میوه را بروانه باشد
شناوری درینه باشد
اگر غریبیت کارهای سنتول باشد هوانی
های دشن بازیوس شده اند زیرا هوانی
هی هرگزین و شاهکار از جلو آنها میباشد
برایه و آنها را میتوان ساخته، هرگز
هرگز از راکون انگلکس میگذرد هنگامیکه
در این راکون هرمه میوه را بوده میباشد
های دش دو گرفته که از اینجا شناهدنگریکه
که میخواسته باشد با میخواسته اند
آنها بزرگ در میخواسته که اینها باشد
های انگلکس را باشند همانه بودند، و سر
هواپایه ای این راکون همچو عین همراه
های دشندند و شدند و دو نام همان

و باشکن ۶ دوره خس کاری امکانی
اطلاع پیده می‌نماید مصالح سیاسی و امنیکی را برای
نهاده مینهاد که ادامه درون و برق مصالح
در اردن از دست رفته باشد به سرمه نهاده
سیاستی می‌نماید از این طبقه عده‌ای که در دو دنیا اشغال
پذیرفته اند از جمله اینها عده‌ای که اسلام را
براند و بسیار داشتند از آنها می‌توان گفتند
که اینها است و می‌بودند سپاه و سواده و ده
هزار و هشتاد هزار نفر از اینها در میان هم
میانه را داشتند و آنها در زمانی که قدرت
لشکری را داشتند ایجاد کردند و بروزی نام
لشکری خود را در پیش از میانه داشتند
که اینها در پیش از میانه داشتند

منظمه بیرونی هفت پاچلو مو رود که موضع
و دفعه و درگاه در معرض این خطر فراز
قاره شد که الزجاج محاصره خود را درگیر کردند
آنها مکان ناواره کردند، باور آن داشتند که
موضع سبب آنکه توپس انداختن طعن و را
تقویت کشم و خوار بر سر و موهشان دارند از این
دو برابر تائین سالم استادانگی در آن مومن
شدند، ازین سه و سکونتار سه اخباری مرسی
که مخصوصاً در اعماق بیرونی هزار و آتش
باران حکایات میکند یعنی حمله اندیز و لذای
دست حریمه سکایر و ایروه از اطهارات
رادرید و نوکو هنوز صورت عین همکریت
آن را ایجاد اوضاع سیار پیغمبر است
پادگان آنده اهلات است، این امر معلوم

بیرونی کنک هولنی متوجه بان احمد
رسد، هواپایه‌ایی اکتوبری از خود هر یکان
خروع مخلوقات سودانه و دروده ام را کارون
متوجه شد و ملائمه اورتی نهاده
خرده‌ای که از زندگی و سینه‌گردی است
که بسیروی و دوستی همچنان بر مختار خوش
بردهشمن ادامه نماید و حالت شرمندی باشد
و بالاپایه تلفات سکنی و اواز مبارزه طلب
آن ایمان خود خلاف اخراج در همه بیش
هزیری که بازگرد از سرف و بازگردان شهر
روزگار که اندک رسمیده سپاهان ملعونه است
که بازگرد اویل و کوکوکار و دروده همچو
دو صرف آشناها است که ایمان، سینه
بیست پانزک این شهرها درست آنی
ساده مصالح شکری برلن اندیشه کشید
که کم از افاقت مهارتی و دوستی کاشت میشود
که این افراد از مطلع رو به این میزان
اصلی که هر چه بشترین شرکت کنند شنیده اند
با خداواری میکنند و در این تجربه خوار باری
او از اوان در هر چهل هنده دست بشری لازم ندارد
وضع خود دور
والشکن^۱، املا به و از این حکم این است
نهست حاجی استدیلیان^۲، در عرض چند
دو روز از مردم این ایام از اشتراحت هرچهار شاهزاده
و ادیبو و ادبی و مذهبی اشنازی از اندیشه کشید
که این ایمان و دادعت به ششم ازده اند مان
لیلیمات از طرف امریکا کلیات باشد هر چند
نهست اند.

دو ملار آبوري (مبل) اميدلو (اکونسل)
خطاب د گزاران ملت که لوتو چاهي منتهي
گردد است ظهراً اميدلو (اکونسل) و کـ.
دو سال ۱۹۹۷ شويانو (اکونسل) در پـ.
دو هليون روده آنـ است (ایپـ) اـ.
گرفـ و دهـ و دهـ (ایپـ) نـهـ دارد و بـ (اـ) کـ.
آـينـ مـريـ سـاـيدـ.
وقـ طـيـ ۱۹۹۷ مـودـ لـ اـ زـارـ مـكـارـونـ
هاـسـاـكـهـ دـ سـ كـاـسـرـ وـ مـلـ سـلـ كـرـ.
هاـسـاـكـهـ دـ سـ كـاـسـرـ وـ مـلـ سـلـ كـرـ.
هاـسـاـكـهـ دـ سـ كـاـسـرـ وـ مـلـ سـلـ كـرـ.
آـمنـ يـادـلـانـيـ کـ هـاـيـ اـيـ ۱ـ.
دو عـقاـعـدـ اـمـرـيـکـيـ هـرـ وـهـ اـنـ حـاـكـ
اسـهـ کـ یـوـلـ اـمـرـيـکـيـ هـرـ وـهـ اـنـ حـاـكـ
وشـ اـزـ اـخـهـ اـهـمـ وـهـ وـهـ کـ هـرـ زـارـ.
اـمـرـيـکـيـ هـرـ وـهـ وـهـ وـهـ کـ هـرـ زـارـ.
وـهـ وـهـ وـهـ کـ هـرـ زـارـ.
هـلـيـسـ نـهـ دـ سـ كـاـسـرـ دـ سـ كـاـسـرـ کـرـ.
برـ زـارـ اـمـرـيـکـيـ هـلـيـسـ بـ کـ هـرـ کـرـ.
جزـ بـ يـانـ شـتـ مـلـيـونـ بـ کـرـ وـهـ پـانـ.
نهـ دـ سـ كـاـسـرـ دـ سـ كـاـسـرـ کـهـ دـ سـ کـهـ.
جـوـلـ اـيـ اـرـشـ (اـمـنـ) اـخـارـ دـهـ دـ سـ.
آـيـ اـيـ اـيـ اـيـ اـيـ اـيـ اـيـ.

دروج همه میں دل باختلاف وایپا
طرف سرماں جان امیریکا و ملکیں نامه
تھنگ کر کہ میں مذووج این بندھائے
فرار اسٹے طبع سرماں جلیں
کچکی شہریاں دل دستوں جو کہ
کر میکے و ملکیں پاہ میں مخصوص دوس
جنت کے شہریاں کو منزکر کر کہ دوس رو
لوں پیشتری رویویات امور مالی
مالیں دھنات و تائیر مود را نامنی میسا
بھر این بھری و ملکیں اکھنواریں میت
اوی ماڈاریت اسکاں دریا پاہ میں
اور قدری خود و دو آیہ ریکنی خا
دریں خود را ای دست مولعہ داد
بڑو کہ کہ کہ میں مونہ مکروہ پاہ
چل کر دریا سخن مکاری کر کوئی کوئی
بھر و بھریوں تر ایں بستے دریا پاہ
میں میں اس فرمکاری کوئی بھر و دی
یک لہسکی راست و آسویوں وارنے داد
از ایں بست بھوہ برداہی و برویوں نام

خبر گزاری پارس ۱۸ بهمن ماه ۱۴۲۰

اخبار تلگرافی خارجہ

انفرادی نامہ تکاری اپنی سیرفت
ارٹش شوری
استھلہم ۶ مروہ، سر کاروی شوری
خرسنہد، دوزن، دوچ، الکتابہ، بایوک
ناشر اذار، فائیستہ صفت، خرق، حلت
حلف، شنسی، بیرونی آشان، دوچ، خودوی
نگاری، نگاری، برشی، طلاقی، مون، گردی
اسد، اس، بو روزانہ، دیگر ازا، لازم، حلق
سمه، باط، شیر، مودو، سبزه، لکسا
اطمیت، نایفت، سیوس، چند، هد، است

بروگری مرک از دوست ملیون آن است
پیش فتوی سرخ
مکو گاملاخانه دولت خودروی کمتر
که روی اسناد پایه های ساکر است
۱۳۷۰ ششم خورشیدی بروگ ملکیکار هی
نهایه خود را همچویی تلقیست این
دان و پسند از جنت افراد و دوستان نفای
سکان و آزادی از بروگ ملکیکار
نیویورک برای بروگ کرد
بروگ پنجم خورشیدی ۱۲ هزاری ای دهن
حصد ماهیه و شل هزاریان کلو رویی
بر نایه خود روز ششم خورشید هوا
پایان داشت در نیویورک مکو سرگون
گردید
حصنه سوار نظام ارشن شوریوی
شده بودند، با پیغام خس کروی
شوریوی خس نکار و زوریان از رویها چین
خریده است؟
مکنم خربوب سوار نظام شوریوی خلو
داران بروگ و دهنی منع شده از پیک
مکن گفتگو و هنگ میمند
مشهود است که بروگ خارجی

ومن نبردهم
لکیر اوضاع جنگ
الن ۶ هرمه - ایامت بند
گزاری اخلاق چون مبنیست؟ و مدنی
هرور آمد است و همچو کاری هری که
ملوف چون پیشرفت آذن مکاتب
دست بسته بیرونی اخلاق غیرای باشد
۲۹. محل درود و عذر طلب شری مکثه
اسکه سخت سوار بسی داشت سک
وشن و زاده بیماریه، شرعاً بسی
اخلاقی بخطوط اولیانه داشت
مرلوان رسانیده و مخصوصاً در اولین مرحله
التوسلی هی تکشی چون موهبت
دات است - هرور منتهی بسته که
لوجه از اینها معاشر میگردید
تینی «موهبد کاره» بین شفاعة در حضور
در باشی بجهوده و این اینه داشت
وجوه سازه و از اینه هر مرتب که بکی
در میان افراد از اینها بجهودی
از دو هیچ چاکرکنند هیئت موابیں معرفت

ایند ۵ گذر الفس
فرودگاه کی ملکی خود را چهون
بین همه سکلو- ترجیح پیده
کرد و این نایاب شاگردی
سرزنش بود و خوش بود و
برخیزید و میان مدنی میگرد
از نیمه کجات مباراک باز چهونی خواست
سامانه است سه سیر آنکه امروز
برخیزد، اما در برداشت و عمله و رشته
کار جست امروزه سرمه ای ایشان کی

نای قرآن خارجه دهن است که مسکو
 سوده و ده، من جا به لونه وی
 گز مردوز بگزیر ما خواری هود و پنجه
 هماندو زیگه موکه نه گزیر، این
 هماندو زیگه مسکو چک جان، همچو
 و دا گیزین
 اندومن هزار بر زردا بو آلماتش ر
 پیش است وی توکو این آلماتش ر
 درون خواری آدم و زرا موادی
 هماندو هست و دلچیل جاگزین
 اندیه و لولی بو، آیده ریز است
 های خواری خواری خواری خواری خواری
 و دلچیل خواری خواری خواری خواری
 سه ای *

نامه های رسیده هاچه میگوئیم؟

در شاهراه ابرارخود و خیروز روی پاد
مردم شری و رفاقت باعتصاب کافی گرفت
ساختن و رفاقت افزایی خود را داشت
چنانچه مخفیانه منصبان آن روزهای استاد
ازدیگر خواست کرد و دید که نادانی
این کارگران را درین شرکت خود نشکر من
کنم و خطا نمایم و بخوبی خود را خواهم
داد اینه بدانند شما نکن هر کس کافی
وضع رفت نار و منشی که رعایت خود را کده
گردید خواهی خواهم باشند آغاز خواهد
شد.

کش کمی دو این شهر بزرگ شهر
داور که برما هزار و سهند کی کارگران
ساختن و رفاقت افزایی به من کفرد
شاید برعی بر این اتفاق ما را میل برآشون
سازی کشند ولی همین اشخاص رساییک
از اوضاع و احوالها مطلع گردید طرز
ضفاوت خود را بخوبی خواهند داد.

چه چر مبارا به اعتصاب و دادگاههای
کس حق داشت که این متول و ای اما
کشند اینه که از این طرف کار
هرمانیان میباشد من خود این تسبیحات از
مد نادان شری خارج است و جای خود را
حضر امام.

اینکه در قریش آن دن ناشن با
دو روش سرمه سور و مستان بالا چوب
سته های این ساختن مرمع چند اشکوه
روی لبه بیرون های شی بیوسته در خط
سلوط و ملاتی شدن هسته و با
شده های ما از بین بارهای سکنی زخم
و فشنی ماو اشکوه از و کوچون چیکن
و جاجه اگرین اینه های شی سوراخ و
موان گردید اغلب ماز هشته دیل
هشته ریال په میتوان گردید این دن
زیکی و قوت لایتوی که پیش هله پایه
برای خود نیه کند.

کرایه اینه دن و دن ۲ ریال
دومن شری سرمه هایل ۸ ریال
سوست و مراجع معرفه ۲ ریال
مح ۱۲ دن

برای آن که هله دن خط در گلبهوله
و خود و سرمه برای خود و دن و دن و دن
فرام ساز و از اینه اینه هایی زندگی
بزموده بندی باید دو دن و دن و دن
لذا از میزان مراجع طولی که درین دن
بیدار در دو دن و دن و دن و دن و دن

هم کسر دارد.

فستی از این کارگران کوکه کشند
هسته نخربیه دن که با مزدی سهول
کم او دن دنسته باید خود بازی میکند.
این کارگران این کارگر و دن
سر و دن و دن و دن و دن و دن و دن

این دن دن و دن و دن و دن و دن

خبرگزاری پارسی خارج

۱۴۲۰ بهمن ماه ۱۶

دغواری وضع خواربار در ایران

استکلام - غرای اطهار خس کاری

شوری خواری دن بک باستکم و سده

است ساکن است و وضع خواربار آن

دروز بروز خواری دن بک باشند

کارگران خواری دن بک باشند

دروز بروز خواری دن بک باشند

